

# SID



ابزارهای  
پژوهش



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری  
STES



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی  
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word  
برای پژوهشگران

## فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری

منصوره اعظم‌آزاده\*

عاصفه توکلی\*\*

### چکیده

در ادبیات جامعه‌شناختی فردگرایی به عنوان مفهومی مدرن در مقابل جمع‌گرایی جامعه سنتی قرار می‌گیرد. بازاندیشی در خصوص خویش و عرصه‌های مختلف زندگی از ویژگی‌های بارز فردگرایی به شمار می‌آید. در چنین شرایطی و در فقدان تأیید دائمی اجتماعی، گرایشها و جهت‌گیریهای مختلف از جمله گرایشهای دینی هستند که خصلت قطعی خود را از دست داده و مورد بازاندیشیهای مکرر قرار می‌گیرند. این وضعیت خصوصاً در بین اقشاری که بیشتر در معرض آگاهیهای مدرن قرار دارند رواج بیشتری پیدا می‌کند.

با پذیرش اولیه این پیش فرض مقاله حاضر در صدد مطالعه چگونگی وضعیت ارزشهای فردگرایانه - جمع‌گرایانه در بین دانشجویان و رابطه آن با گرایشهای دینی و اشکال بازاندیشانه آن است. بدین منظور با استفاده از سنجۀ دینداری استارک و گلارک و شاخص محقق‌ساخته بازاندیشی دینی و مقیاس جمع‌گرایی - فردگرایی تریاندیس مشخص شد که علی‌رغم تسلط خصلتهای جمع‌گرایانه، گرایشهای فردگرایانه نیز به همان شدت در بین این قشر موجود است. این هم‌زیستی از طریق دو روش پیمایشی و سازه‌ای تأیید شد. همچنین در بین این گروه ابعاد اعتقادی و تجربی دین نسبت به ابعاد دیگران از میزان پذیرش بیشتری برخوردار است. رابطه بین شاخصها نشان داد که جمع‌گرایی با همه ابعاد دینداری ارتباطی مثبت و معنادار دارد اما مستقل از بازاندیشی در دین عمل می‌نماید. در مقابل فردگرایی با بعد تجربی دینداری و شاخص بازاندیشی در دین روابط قوی‌تری را نشان می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** جمع‌گرایی، فردگرایی، دینداری و گرایشهای دینی، بازاندیشی دینی.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا / maazadeh@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا / asefe\_tavakoli@yahoo.com

## مقدمه

چنین گفته می‌شود که دینداری در جامعه کنونی ایران و در میان جوانان با تغییراتی در اندیشه و عملکرد مواجه است. پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی دین بعضاً این‌گونه تغییرات را بررسی‌نموده و بیان داشته‌اند که تفاوت‌هایی در ابعاد دینداری قابل مشاهده است. وجود این وضعیت نشان می‌دهد که هرچند باورها و عواطف دینی در میان جوانان حاضر و باادوم است اما از سویی دیگر پذیرش و اجرای تمام ابعاد دینداری نیز از جانب جوانان مورد تردید است. ترکیبی بودن دین در میان جوانان از دیگر تغییرات موجود است. دینداری ترکیبی نوین، یکی از انواع دینداری در جامعه جوان ایران است که در آن برخی از اصول شیعه، برخی اصول بودیسم و برخی از تئوریهای روان‌شناسی با هم تلفیق شده و مورد استناد در رفتار دینی قرار می‌گیرد (نیک‌پی، ۱۳۸۰: ۵۵). تغییرات در موضوع دینداری نشان می‌دهد که برای جوانان دینداری همانند بسیاری از موضوعات دیگر از شکل پذیرش کامل و یقینی قبلی خارج شده و به موضوعی گزینشی و انتخابی و فردی تبدیل شده است.

در ادبیات جامعه‌شناسی برخورد این‌گونه با موضوعات و بها دادن به تمایلات شخصی، اولویت نگرش‌های فرد بر هنجارهای گروهی، خوداتکایی و بازاندیشی در ارزشها و گرایشها از مؤلفه‌های فردگرایی شناخته می‌شود که بنیانی را برای جهت‌گیری فکری و رفتاری در جهان مدرن شکل می‌دهد. فردگرایی به عنوان مفهومی مدرن در مقابل جمع‌گرایی جامعه سنتی قرار می‌گیرد. در جمع‌گرایی بر یکپارچگی و اطاعت از گروه تأکید شده و رفتار هرکس انعکاسی از هنجارهای مطلوب جامعه دانسته می‌شود. فرد جمع‌گرا، با گروه اهداف مشترک داشته، لذا مشابه دیگر افراد رفتار کرده و دستورات اجتماعی را به عنوان هنجاری پذیرفته و غیرقابل تردید تلقی می‌کند و در همین راستا دینداری سنتی را بدون چون و چرا می‌پذیرد.

اما در نظر بسیاری از صاحب‌نظران یکی از جنبه‌های مهم جامعه مدرن غلبه فردگرایی بر جمع‌گرایی است که تغییراتی را هم در حوزه آگاهی و هم در حوزه کنش افراد به وجود می‌آورد (ویر، ۱۳۸۳؛ دورکیم، ۱۳۶۳؛ گیدنز، ۱۳۷۷).

در جامعه فردگرا، فرد مدرن تواناییهای خاصی پیدا می‌کند. از جمله اینکه اجازه می‌یابد عقلانی‌تر عمل کرده و بسیاری از سنتهای بسته‌بندی و یقینی قبلی را مورد تردید قرار دهد. توانایی دیگر، بازاندیشی در خصوص خویش و عرصه‌های مختلف زندگی خود، گزینش از بین تعدادی از بدیلهای و انتخاب جایگزینهای مختلف و دسترسی به منابع متنوع و پراکنده است. بدین ترتیب همراه با فردگرایی و عقلانیت ملازم با آن، بسیاری از ارزشهای جامعه نیز از شکل یقینی خود خارج می‌شود و مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی ارزشها در نبود تأیید دائمی اجتماعی و بازاندیشی مداوم خصلت قطعی و بدیهی خود را از دست

داده و از نگرش متنوع افراد تأثیر می‌پذیرند؛ لذا به نظر می‌رسد در جامعه کنونی بسیاری از تغییرات در دینداری (بازاندیشی، گزینش‌گری و...) با مفهوم فردگرایی در ارتباط می‌باشد. ذهنیت ناشی از فردگرایی با شاخصهایی همچون نسبی شدن، عدم قطعیت، و بازاندیشی و... اساساً آگاهی افراد را دگرگون کرده و پیش‌انگاشتهای اساسی جهان اجتماعی را که قبلاً بدیهی تصور می‌شد به سؤال می‌کشد. این خصوصیت، انسان مدرن را در شرایط دوگانه قرار می‌دهد که از یک سو با قائل شدن حقوق فردی به او آزادی اعطا می‌کند، ولی از سوی دیگر با از بین بردن آرامش موجود، فرد را با اضطراب و عدم امنیت مواجه می‌کند و حاصل آن روی آوردن به اشکال جدید و عقلانی دینی است. از این جهت فردگرایی به عنوان متغیری مهم در جامعه مدرن می‌تواند در آگاهی و به تبع آن در تمام حوزه‌های دیگر زندگی اجتماعی وارد شده و اثرات مثبت یا آسیبی داشته باشد. علاوه بر این همان‌طور که هویت فرد در جامعه مدرن در معرض دگرگونی قرار می‌گیرد رابطه فرد با دین نیز دستخوش تغییراتی می‌شود. به عبارت دیگر همراه با فردگرایی، دین نیز به موضوعی انتخابی و بازاندیشیده شده تبدیل می‌شود. تحقیقات تجربی انتخاب‌گری و ترکیبی بودن دین در میان نسل جوان را تأیید کرده است (نیک‌پی، ۱۳۸۰: ۵۵-۵۶)، تأثیر دینداری جوانان از نگرش‌های شخصی و اولویت ابعاد اعتقادی و عاطفی بر سایر ابعاد (سراجزاده، ۱۳۷۷: ۱۱۶)، برتری تشخیص خود تا مراجع دینی در دینداری (میرسندسی، ۱۳۸۳: ۲۲۵)، ترسیم دینداری به صورت پذیرش قلبی (غیاثوند، ۱۳۸۰: ۱۱۸)، تعدد راه‌های شناخت دینی (دانشگاه دین و سیاست، ۱۳۷۹: ۲۵۷) و... نشان دهنده این واقعیت است که دیگر تعلق به جمع‌های سنتی به تنهایی پاسخگوی دینداری جوانان نبوده بلکه ارزشها و جهت‌گیریهای زمان و تعلقات فردگرایانه نیز در تعیین اشکال و انواع آن نقش عمده‌ای بر عهده دارند. از آنجا که مطالعات در حوزه جهت‌گیریهای ارزشی نیز روند رو به رشدی از فردگرایی را در جامعه فعلی نشان می‌دهد، مانند تحقیق هافشند (۱۹۹۴) که در میان ۵۳ کشور جهان، رتبه فردگرایی در ایران را ۲۴ و یا به عبارتی کمی بیش از متوسط نشان می‌دهد و یا بررسی فردگرایی در ایران با تفکیک سویه‌های مثبت و منفی این مفهوم، فردگرایی ایرانیان را از نوع غیراجتماعی و خودخواهانه ترسیم می‌کند (میرزائی، ۱۳۸۴) و یا مطالعه فردگرایی در بین دانشجویان که حاکی از اندکی تمایل بیشتر آنان به فردگرایی تا جمع‌گرایی است (نوروزی، ۱۳۷۵). در این صورت پرسش از رابطه فردگرایی و اشکال و انواع دینداری به پرسشی در خور توجه و اهمیت و قابل پیگیری نظری و عملی تبدیل می‌شود که تحقیقات همه‌جانبه‌ای را می‌طلبد.

بررسی این رابطه در ضمن آشکارسازی برهم کنشی فردگرایی و دینداری، از طرفی بازگوکننده وضعیت و در عین حال تسلط جهت‌گیری ارزشی فردگرایانه و یا جمع‌گرایانه در جمعیت دانشجویان به عنوان گروهی پیش‌تاز در پذیرش امر مدرن بوده و در کنار آن به دلیل همین ویژگی، میزان تابعیت آنها را از اشکال و جنبه‌های مختلف دینداری نشان خواهد داد.

## چارچوب نظری

در ادبیات این حوزه از جامعه‌شناسی معمولاً بحث از جهت‌گیریهای ارزشی در جامعه مدرن با تعریفی از دینداری آغشته است و تشریح فردگرایی به گونه‌ای در تعامل با تغییرات در دینداری صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر از آنجا که در دنیای پیشامدرن دین بر تمام عرصه‌های زندگی مسلط بوده و بدان معنا بخشیده است، تحول جامعه و گذر آن به مدرنیته نیز با تغییرات در دینداری و اشکال آن توضیح داده می‌شود.

دورکیم بر این باور است که با افزایش حجم و تراکم جامعه، وجدان عمومی عام‌تر می‌گردد و به موازات آن افراد گرایشها متغیر و نوسانات فردی بیشتری را تجربه می‌کنند. به نظر او این تغییرات، تحولاتی را نیز در عنصر الهی و ماورایی و دین به عنوان یک سیستم یکپارچه از اعتقادات و اعمال مربوط به چیزهای مقدس و ممنوع به وجود می‌آورد. در بسیاری از اصول ایمانی که قبلاً ثابت فرض می‌شد عقل و منطق مداخله کرده و در مورد چگونگی قواعد دینی کنجکاوی می‌کنند. در این شرایط انتظار می‌رود که قواعد ایمانی به میزان زیادی قدرت و نیروی اولیه خود را از دست بدهند (دورکیم، ۱۳۶۳).

به نظر وبر فرد موجودی اجتماعی و آفریننده ارزشها و نظام اجتماعی است. وظیفه جامعه‌شناسی عبارت از درک ساختار این ارزشها و نظامات اجتماعی یعنی درک کنش اجتماعی می‌باشد. وی مفهوم فردگرایی خود را با استفاده از مفهوم کنش و انتخاب عقلانی توضیح می‌دهد. به نظر او کنش عقلانی هدفمند، معطوف به مجموعه‌ای از اهداف است که ابزار و نتایج ثانوی آن همگی به شکل عقلانی در نظر گرفته و سنجیده می‌شود. از دید وبر در جامعه مدرن نه ساختهای کلان اجتماعی و اقتصادی و نه روایت‌های فردی بلکه عقلانیت تعیین‌کننده وضعیت عمل فردی است. وبر عقلانی عمل کردن در جامعه مدرن را در اتکای فزاینده بر محاسبه، کارایی حل مسئله و رفتار معطوف به هدف می‌داند و معتقد است که در شرایط مدرن عقلانیت برای رسیدن به هدف جایگزین سنت می‌شود. در نظر او عقلانیت نگرشی فراگیر است که در تمام ابعاد زندگی اجتماعی و از جمله در قلمرو دین به عنوان گونه‌ای خاص از رفتار در اجتماع و وابسته به قدرتهای ماوراءالطبیعی، تغییراتی را به وجود آورده است. از نظر وبر عقلانیت جامعه مدرن در حوزه دین با حذف جنبه‌های جادویی دین و رفع تناقضات و ابهامات در راه‌جهای رستگاری معنا پیدا می‌کند (وبر، ۱۳۸۳).

گیدنز نیز در تبیین مفهوم فرد بر هویت شخصی تأکید می‌کند و فردی شدن را ناشی از کاهش تأثیر سنت در زندگی و مواجهه با آینده‌ای باز می‌داند. گیدنز با توضیح مفاهیم انتخاب و بازاندیشی فردگرایی را تبیین می‌کند. به نظر او بازاندیشی ویژگی هر نوع کنش انسانی است و دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی پیوسته باید مورد بازسنجی قرار گیرند و در پرتو اطلاعات تازه بازتولید شوند. این پالایش عادت‌وارانه پیوسته و در همه جریانهای کنش روزانه جریان دارد. به نظر وی

انتخاب یکی دیگر از مؤلفه‌های فردگرایی است که به دلیل عدم وجود باورهای تضمین‌شده، زندگی را از مجاری از پیش تعیین‌شده منحرف می‌سازد. تجدد انتخابهای متعددی را فراروی شخص قرار می‌دهد و فرد را با چندگانگی انتخاب روبه‌رو می‌سازد.

گیدنز معتقد است در جامعه مدرن بازانديشی و انتخاب به بازتابندگی ارزشها منجر می‌شود. بدین ترتیب از جمله ارزشهایی است که مورد بازانديشی قرار می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۷-۱۳۷۸).

برگر از دیگر نظریه‌پردازانی است که فردگرایی را بررسی کرده است. به نظر او فردگرایی به معنای امکان انتخاب فردی از میان واقعیتها و هویتهاى مختلف است. فردگرایی امکان مهاجرت بین تعداد زیادی از جهانهای قابل دسترس را فراهم ساخته و به فرد اجازه می‌دهد به طور آگاهانه از میان هویتهاى قابل دسترس و موجود هویتی انتخابی را برگزیند. از نظر او هویت مدرن اندیشیده و فردیت یافته است زیرا که از حق آزادانه برنامه‌ریزی زندگی شخصی و شکل بخشیدن به آن برخوردار است (۱۳۷۳/ ۱۳۷۵/ ۱۳۸۱).

برگر به تفصیل رابطه تکرر زیست جهان اجتماعی، خصوصی شدن دین، فردگرایی و دینداری را بررسی می‌کند. به نظر او چندگانه شدن زیست جهانهای اجتماعی علاوه بر تأثیر بر هویت، تأثیر عمده‌ای را نیز در حوزه دین برجا می‌گذارد.

در نظر برگر دین عملی انسانی است که عالمی مقدس را برای بشر بنا نهاده است و در بخش بزرگی از این تاریخ، در ایجاد چتری فراگیر از نمادها برای یکپارچگی جامعه، نقشی اساسی برعهده داشته است. معانی، ارزشها و باورهای گوناگون رایج در جامعه نهایتاً از طریق تفسیری جامع درباره واقعیت که زندگی انسان را به کل نظام عالم ربط می‌داد، یکپارچه می‌شدند. در واقع دین به عنوان ساختاری شناختی و هنجاری پدیدار می‌گشت که احساس بودن در کاشانه، یعنی در جهان هستی را برای انسان ممکن می‌ساخت. با چندگانه شدن زیست جهانهای اجتماعی، بی‌یقینی عمومی، خواه شناختی، خواه هنجاری که حاصل چندگانه شدن زندگی‌نامه و زندگی روزمره فرد است این وظیفه دین مورد تهدید قرار می‌گیرد.

تا وقتی نمادهای دینی عملاً دربرگیرنده تمامی بخشهای بامعنای تجربه زندگی اجتماعی فرد بودند، تمام افراد نمادهای یکسانی را تصدیق می‌کردند و با این کار خود بر اعتبار این نمادها صحه می‌گذاشتند. به موازات رشد تدریجی چندگانگی، فرد با دیگرانی مواجه می‌شود که به باورهایی غیر او اعتقاد دارند و پیامد این تحول از لحاظ نهادی خصوصی شدن دین است (۱۳۷۳ / ۱۳۷۵ / ۱۳۸۱).

به نظر وی اساسی‌ترین ویژگی نهادهای خصوصی این است که در آن فرد به نوعی از آزادی عمل در قلمرو زندگی خویش و ساختن جهان زندگی برخوردار می‌شود. در این صورت تعاریف دینی در نبود تأیید دائمی اجتماعی و عمومی خصلت قطعی خود را از دست می‌دهند و در عوض به موضوعهایی

انتخابی بدل می‌شوند. به همان‌گونه که تعاریف فرد در جامعه مدرن در معرض دگرگونی دائم قرار می‌گیرد رابطه‌اش با دین، تعاریف نهایی و غایی نیز دستخوش تغییر می‌شود. به عبارت دیگر باور دینی حکم تجربه جمعی را از دست داده و صورتی فردی به خود می‌گیرد (همان).

تریاندیس نظریه‌پردازی دیگر است که بخش اصلی فعالیت پژوهشی خود را بر مطالعه فرهنگهای فردگرا و جمع‌گرا متمرکز ساخته است. وی با شناسایی ویژگیهای این دو فرهنگ در صدد ساختن مقیاسی استاندارد برای اندازه‌گیری خصوصیات فرهنگهای فردگرا و جمع‌گرا است. به نظر او در گرایشها فردگرایانه تعریف از خود غیروابسته و به صورت یک هستی جداگانه ظاهر شده و در روابط بر عقلانیت تأکید می‌شود. در این حالت افراد اختلافات شناختی زیادی را تجربه کرده و در تعیین رفتار بیشتر بر گرایشها فردی تا هنجارهای موجود تکیه می‌کنند.

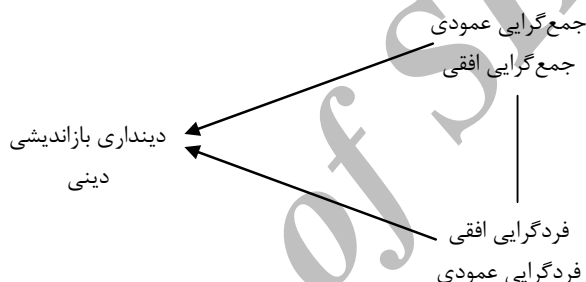
در مقابل به نظر او جمع‌گرایی از اصول زیر پیروی می‌کند: تعریف خود پیوسته با دیگران است، پیروی از هنجارهای درون گروه برای فرد اهمیت دارد، افراد اختلاف شناختی کمی را تجربه می‌کنند و برای آنها اطاعت، وظیفه‌شناسی، هماهنگی با گروه در اولویت قرار می‌گیرد.

تریاندیس برای دقت هرچه بیشتر، مفاهیم افقی و عمودی را به جمع‌گرایی و فردگرایی می‌افزاید. در هر دو حالت افقی نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن بر برابری تأکید می‌شود و عمودی سلسله‌مراتب در روابط را نشان می‌دهد (۱۹۸۸/۱۹۹۴/۱۹۹۶/۱۹۹۵/۱۹۹۸).

بدین ترتیب فردگرایی و هویت‌یابی فردگرایانه با مفاهیمی مانند خصوصی شدن، گزینش‌گری و ترکیب کردن عناصر ارتباط می‌یابد و این امر در حوزه دین و دینداری نیز سرایت پیدا می‌کند و هویت دینی را دستخوش تحولاتی قابل اعتنا می‌نماید. از این‌رو می‌توان در عین هم‌پوشی جهت‌گیری ارزشی فردگرایانه و دینداری، تنها به لحاظ تحلیلی بین ارزشهای جمع‌گرایانه و فردگرایانه با انواع و ابعاد دینداری رابطه‌ای برقرار ساخت و در صدد شناخت این هم‌تغییری برآمد. شناخت این رابطه و وضعیت خصوصاً در مورد جوانان دانشگاهی که به عبارتی بیشتر در معرض مواجهه با ویژگیهای محیط تعریف شده مدرن قرار دارند مصداق، اهمیت و ضرورتی خاص می‌یابد.

فردگرایی در تعریف تریاندیس گرچه مفهومی تجربی است، اما به مفهوم نظری و دستگامی وبر، گیدنز و برگر نزدیک است. از این‌رو در پژوهش حاضر از مفهوم‌سازی تریاندیس به منظور فضا سازی معنایی فردگرایی - جمع‌گرایی و رابطه آن با دینداری استفاده می‌شود تا علاوه بر رفع نیاز تأمین معرف تجربی، فضای معنایی لازم نیز حفظ گردد. بدین ترتیب در تحقیق حاضر به دنبال بررسی تجربی گزاره‌های زیر خواهیم بود:

در جمع‌گرایی از نوع عمودی و افقی آن به دلیل تبعیت و ارجحیت ارزشها و هنجارهای گروهی، دین بر تمام وجوه و ارکان زندگی احاطه داشته و درباره آن اظهار نظر می‌نماید. در این وضعیت دینداری در وجوه رفتاری متفاوت آن به تسلط خود ادامه داده و مورد پذیرش و اقبال جمع قرار دارد. فردگرایی افقی و یا عمودی به دلیل ویژگیهای خاص خود به بازنندیشی در تمام وجوه حیات، ارزشها و نگرشها می‌پردازد و در این میان دینداری و موضوع آن یعنی دین نیز مورد تعقل و بازننگری و بازنندیشی قرار می‌گیرد.



### مدل تحقیق

#### فرضیات تحقیق

با مرور نظریات گیدنز، برگر، تریناندیس مشخص می‌شود که رابطه‌ای بین گرایشها فردگرایانه و انواع و اشکال دینداری مفروض است به صورتی که در جمعیت مورد مطالعه:

- با فرض وجود مؤلفه‌های فردگرایی، دینداری نیز در تمام ابعاد خود کاهش پیدا می‌کند.
  - در مقابل، در صورت شدت گرفتن ارزشهای جمع‌گرایانه دینداری و ابعاد آن نیز شدت می‌گیرد.
  - از طرف دیگر در صورت افزایش ویژگیهای فردگرایانه بازنندیشی دینی قوت می‌گیرد.
- همچنین با پیروی از نظریات تریناندیس که ارزشهای فردگرایانه را در مقابل جهت‌گیریهای جمع‌گرایانه و در دو گونه افقی و عمودی آن به تصویر می‌کشد نیز می‌توان فرضیات بالا را بر قرار ساخت. در این صورت انتظار می‌رود که در اشکال افقی هر یک از جهت‌گیریهای ارزشی به ترتیب زیر، روابط مطرح از شدت کمتری برخوردار هستند.
- در فردگرایی عمودی، بازنندیشی دینی شدت بیشتری به خود می‌گیرد.
  - در فردگرایی افقی از شدت بازنندیشی کاسته می‌شود.



- در جمع‌گرایی عمودی، دینداری در تمام ابعاد آن افزایش می‌یابد.
- در جمع‌گرایی افقی، دینداری و ابعاد آن از شدت کمتری برخوردار می‌شوند.

### روش‌شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و به منظور افزایش اعتبار و پایایی و برای اندازه‌گیری هرچه دقیق‌تر فردگرایی از یک روش مکمل با نام روش سازه‌ای<sup>۱</sup> (شرح مختصر) استفاده شده است. از آنجا که تحقیق در امر ارزشها مستلزم به کارگیری تکنیکهای پیچیده و دقیق‌تری است، از این شیوه در کنار روش اصلی و به منظور تعمیق بیشتر مسئله بهره گرفته شد.

روش سازه‌ای روشی است که در آن محقق موقعیتهای مختلف را برای افراد به تصویر می‌کشد و سپس پاسخگو براساس شرایط خاص هریک از موقعیتهای و گرایشها خود یکی از حالت‌های ممکن را برمی‌گزیند. انتخاب براساس تمایلات، نظرات و ارزشهای خاص هر فرد در یک موقعیت فرضی و ارزیابی انتخابهای ممکن صورت می‌گیرد.

استفاده از این روش امکاناتی را برای محقق فراهم می‌کند که عبارت است از:

۱. اندازه‌گیری مفاهیم غیرملموس اما تصور کردنی را فراهم می‌کند.
۲. این متد روش مناسبی برای مطالعه نگرشهای چندبعدی است.
۳. این روش از خطای انتخاب تک‌بعدی جلوگیری می‌کند زیرا به پاسخگو اجازه می‌دهد که طی سؤالات متعدد نظر اصلی خود را ظاهر سازد.

در این روش موقعیتهای واقعی مشاهده نمی‌شود، بلکه افراد در موقعیتهای ساختگی قرار گرفته و از بین آنها موقعیتی را که توصیف‌گر حالت و یا ویژگی خاص ارزشی است انتخاب می‌کنند (وان پراگ و همکاران، ۱۹۹۹).

### جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

جمعیت آماری این پژوهش را دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶ تشکیل می‌دهند. تعداد جمعیت آماری تحقیق حاضر بنابر اطلاعات مرکز انفورماتیک دانشگاه تهران ۳۳۵۱۴ نفر است. در این تحقیق با استفاده از فرمول نمونه‌گیری پارامترهای تحقیقات قبلی تعداد ۲۷۸ نفر به عنوان جمعیت نمونه برگزیده شدند. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای سیستماتیک بوده است. بدین

1. vignette

ترتیب که در مرحله اول از بین دانشکده‌های دانشگاه، سه دانشکده فنی و مهندسی، علوم پایه و علوم اجتماعی به طور تصادفی انتخاب و سپس اطلاعات لازم به تناسب جمعیت دانشکده و از بین کلاسهای تشکیل شده به طور سیستماتیک از دانشجویان به دست آمده است.

### تعریف مفهومی و عملیاتی دینداری

دینداری به رفتار دینی در برابر باورها و اعتقادات اشاره دارد. این مفهوم بیانگر کیفیت رفتاری است که شخص دیندار با آن تعریف می‌شود. در مطالعه دین، ابتدا باید دین تعریف شده و سپس ابزار اندازه‌گیری آن تعیین گردد (غلام‌زاده بهبهانی، ۱۳۸۵: ۳۷).

در این تحقیق دین در همان نگاه به کار گرفته شده از طرف مردم منظور نظر است. در واقع مردم در مورد دین، به چگونگی آن و اینکه دین چیست، بیش از اینکه دین چه می‌کند توجه دارند. این نگاه با تعریف همیلتون از جنبه جوهری دین مطابقت پیدا می‌کند (همیلتون، ۱۳۸۰: ۳۰). با این تعریف امکان استفاده از سنجه گلارک و استارک در سنجش دینداری نیز فراهم می‌شود. این سنجه دارای پنج بعد است که در عین ارتباط، مستقل از یکدیگر می‌باشند در این صورت امکان استفاده از هر بعد به تنهایی نیز فراهم می‌گردد. مدل مذکور به دلیل قابلیت در انطباق با ادیان مختلف یکی از سنجه‌های بسیار پر استفاده در مطالعات دینداری جامعه ما بوده (سراج‌زاده، ۱۳۸۰) و بدین ترتیب دارای اعتبار لازم در کاربرد است. با استفاده از مدل گلارک و استارک دینداری به ابعادی تجزیه و سپس هر بعد جداگانه بررسی می‌شود.

این ابعاد عبارتند از:

- بعد اعتقادی، باورهایی است که پیروان هر دین بدان پایبندند.
- بعد مناسکی یا عمل دینی، اعمال دینی مشخصی که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به جا آورند.
- بعد تجربی یا عواطف دینی، در عواطف، تصورات و احساسات مربوط با واقعیت غایبی یا اقتدار متعالی ظاهر می‌شود.
- بعد فکری یا دانش دینی، اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی و کتب مقدس است که انتظار می‌رود پیروان آنها را بدانند.
- بعد پی‌آمدی یا آثار دینی شامل پی‌آمدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین است.

بنا به ضرورت در مطالعه حاضر، این مدل در چهار بعد یعنی ابعاد اعتقادی (اعتقاد به خداوند، قرآن، قیامت، بهشت، دوزخ و...)، مناسکی (انجام فرائض، شرکت در مراسم مذهبی، حضور در امکان مذهبی و...)،

تجربی (احساس ترس و انابه، نزدیکی به خدا، خلوص معنوی و...) و پیامدی (رعایت معروف و اجتناب از منہیات در زندگی) مورد بررسی قرار گرفت.

بازاندیشی از نظر گیدنز دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی پیوسته در معرض بازسنجی قرار گرفته و در پرتو اطلاعات جدید دائم خود را اصلاح می‌نمایند. به نظر گیدنز بازاندیشی و انتخاب تنها در رفتار و زندگی روزمره مصداق نداشته، بلکه ارزشها نیز مورد بازاندیشی قرار می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۷۷-۱۳۷۸). در تحقیق حاضر دین به مثابه یکی از ارزشهایی در نظر گرفته شده است که می‌تواند مورد پالایش، بازاندیشی و بازنگری قرار گیرد. از آنجا که مدل گلارک و استارک تنها ابعاد دینداری سنتی را می‌سنجید و براساس ادعای ادبیات تجربی، جامعه ما با نگرشهای جدید دینی نیز روبه‌روست (نیکپی، ۱۳۸۰؛ میرسندسی، ۱۳۸۳؛ غیاثوند، ۱۳۸۰)، لذا با استناد به همان ادبیات، بازاندیشی دینی نیز به عنوان گرایش و مقوله‌ای جداگانه مطرح و رابطه آن با جمع‌گرایی و فردگرایی مورد بررسی قرار گرفت.

گویه‌هایی مثل برقراری رابطه عاطفی با خداوند بدون انجام احکام توصیه‌شده دینی، انجام واجبات بدون رعایت اصول خاص مثل وضو و یا حجاب، پذیرش بخشهایی از دین و رد بقیه، آزادی در انتخاب دین و تعریف دین صرفاً به مثابه نوعی اخلاقیات از جمله معرفهای بازاندیشی محسوب می‌شوند.

### تعریف مفهومی و عملیاتی فردگرایی

برای تعریف فردگرایی از مفهوم‌سازی تریاندیس استفاده شده است. در این منظر فردگرایی با توجه به جهت‌گیری ارزشی مخالف آن یعنی جمع‌گرایی قابل بررسی می‌شود (تریاندیس، ۱۳۷۸: ۲۵۹-۲۶۶).

فردگرایی به استقلال رأی و تکیه بر عقلانیت تعریف شده است و موضوعات اصلی آن عبارتند از: خوداتکایی، رقابت، فاصله عاطفی، احساس دوری از گروه، لذت‌طلبی، خلاقیت و پذیرش نافرمانی.

در فردگرایی افقی شخص می‌خواهد که منحصر به فرد و از گروه متمایز باشد، اما علاقه‌ای به برجسته شدن ندارد. شاخصهای فردگرایی افقی عبارتند از: خودباوری و اعتقاد به توانایی خود، خوداتکایی (متکی بودن به خود) و انتخاب اهداف شخصی.

در فردگرایی عمودی تشخص پایگاهی مد نظر است و این کار از طریق رقابت با دیگران انجام می‌شود. شاخصهای فردگرایی عمودی عبارتند از: جاه‌طلبی، خودمحوری (اولویت قائل شدن به منافع فردی) و رقابت.

جمع‌گرایی با اهمیت اهداف گروه برای فرد و تبعیت از هنجارها، فرمانبرداری، پذیرش اقتدار و مشارکت تعریف می‌شود. در حالت افقی آن بر برابری در روابط یعنی مشارکت‌پذیری، خیرخواهی، حس

تعلق به جمع (رابطه عاطفی) تکیه شده و در شکل عمودی روابط سلسله‌مراتبی یا اطاعت از گروه، اینها (بخشنده بودن) و یکپارچگی گروه مد نظر قرار می‌گیرد.

### تعریف عملیاتی فردگرایی براساس روش سازه‌ای

با استفاده از روش سازه‌ای و بر طبق مفهوم‌سازی تریاندیس (تریاندیس، ۱۳۷۸) یازده وضعیت یا موقعیت برای افراد تشریح شد. فرد پاسخگو از میان چهار حالت یا موقعیت مختلف که هر یک توصیف‌گر یکی از ویژگی‌های فردگرایی عمودی و افقی و جمع‌گرایی عمودی و افقی است مجاز به انتخاب یکی از آنها بوده و بسته به اینکه کدام یک از حالتها را انتخاب نماید فردگرایی یا جمع‌گرایی وی تشخیص داده می‌شود. به منظور آشنایی با این موقعیتها به برخی از آنها اشاره می‌شود:

قصد دارید که به یک سفر مهم بروید. در غیبت شما عده زیادی به زحمت می‌افتند. با توجه به این مسئله قبل از رفتن، برای تصمیم‌گیری در مورد این سفر با چه کسی و با کسانی صلاح و مشورت می‌کنید؟

(الف) با اهل فن و نظر.

(ب) با همسر و یا دوست نزدیک.

(ج) با هیچ کس، خودم تصمیم می‌گیرم.

(د) با پدر و مادرم.

شما با یک تیم پنج نفره در یک پروژه علمی شرکت کرده‌اید. شما و یک نفر دیگر بیشتر پروژه (۰/۰۹۵) را انجام داده‌اید. جایزه این پروژه به تیم شما تعلق گرفته است. چگونه آن را بین خود تقسیم می‌کنید؟

(الف) ۰/۰۹۵ بین خودتان دو نفر تقسیم کرده و بقیه را بین دیگران تقسیم می‌کنید.

(ب) بدون توجه به اینکه هر کسی چه کاری انجام داده، همه جایزه را به طور مساوی تقسیم می‌کنید.

(ج) جایزه را طوری تقسیم می‌کنید که بیشترش به خودتان برسد.

(د) تقسیم جایزه را به رهبر گروه واگذار می‌کنید.

فرض کنید که با یک گروه از دوستانتان به رستوران رفته‌اید. چه نوع غذایی سفارش خواهید داد؟

(الف) گران‌ترین غذا را سفارش می‌دهید.

(ب) غذایی را که همه دوستان انتخاب کرده اند شما هم انتخاب می‌کنید.

ج) هر غذایی را که دوست دارید سفارش می‌دهید.  
 د) یک نفر (رهبر گروه) برای همه سفارش می‌دهد.  
 وضعیت‌های دیگری که برای پاسخگویان تشریح و پاسخ آنها برای رفتار در آن حالت را به مثابه فردگرایی عمودی و یا افقی و جمع‌گرایی عمودی و افقی محسوب داشت شامل موقعیتهایی زیر می‌باشند:

- واحدگیری برای نیمسال تحصیلی،
  - کمک به آسیب دیدگان در یک حادثه خاص (طبیعی و غیرطبیعی)،
  - چگونگی رفتار کردن در اختلاف پیش آمده بین همسر (نامزد) و والدین،
  - ویژگیهای مورد نظر درانتخاب و خرید لباس،
  - بحث در مورد مهم‌ترین فاکتورهای ارتقا کارمندان،
  - عوامل خوشحال شدن فرد پاسخگو،
  - توضیح خود به دیگران در مورد ویژگیهای مختلف.
- لازم به ذکر است که انتساب جهت‌گیریهای چهارگانه به پاسخگویان براساس انواع تعریف شده در مدل تریانندیس به شرح زیر بوده است:

- برجستگی و خود محوری و اولویت قائل شدن برای منافع فردی در فردگرایی عمودی.
- خودباوری و خوداتکایی و انتخاب هدف در فردگرایی افقی.
- اطاعت و ایثار و یکپارچگی با گروه در جمع‌گرایی عمودی.
- مشارکت‌پذیری و خیرخواهی و حس تعلق به جمع در جمع‌گرایی افقی.

### اعتبار و روایی

در سنجش اعتبار و روایی پرسشنامه، از اعتبار صوری و پایایی آلفای کرونباخ استفاده شده است. به منظور سنجش دینداری از سنجه بومی شده کلارگ و استارک و مقیاس استاندارد شده فردگرایی و جمع‌گرایی تریانندیس استفاده شد. اعتبار صوری این شاخصها با استناد به نظر داوران متخصص به تأیید رسید. در ضمن همبستگی بین روش کمی (پیمایش) و سازه‌ای اطمینان از فضای مفهومی و عملی به کار گرفته شده را شدت بخشید.

در شاخص‌سازی مقوله بازاندیشی دینی نیز با استعانت از تحقیقات پیشین گویه‌هایی آماده و سپس تعریف عملی آن با نظر داوران معتبر تشخیص داده شد.

پایایی شاخصهای فردگرایی و جمع‌گرایی و ابعاد دینداری از طریق محاسبه آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که میزان آن در جدول زیر به نمایش در آمده است.

جدول ۱ نتایج آزمون پایایی

ردیف	ابعاد دین	آلفا
۱	بعد تجربی	۰/۷۹
۲	بعد عقیدتی	۰/۸۱
۳	بعد مناسکی	۰/۸۴
۴	بعد پیامدی	۰/۸۰
۵	بازاندیشی	۰/۸۲

ردیف	ابعاد جمع‌گرایی و فردگرایی	آلفا
۱	فردگرایی افقی	۰/۶۴۶
۲	فردگرایی عمومی	۰/۷۴۴
۳	جمع‌گرایی افقی	۰/۷۳۲
۴	جمع‌گرایی عمودی	۰/۷۵۱۰

### تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این قسمت ابتدا گزارشی از آماره‌های توصیفی ارائه و سپس به تجزیه و تحلیل روابط پرداخته خواهد شد. میانگین سنی جمعیت نمونه ۲۱٫۱ سال و حداقل و حداکثر سن به ترتیب ۱۷ و ۴۸ سال بوده است. ۵۵ درصد از دانشجویان زن، ۸۸٪ در دوره لیسانس، ۱۰ درصد فوق لیسانس و ۱/۸ درصد در دوره دکتری تحصیل می‌کردند. ۹۹ درصد پاسخگویان مجرد، ۶۵٫۵٪ فارس، ۱۷/۳٪ ترک، ۹٪ کرد و بقیه از سایر اقوام بودند از نظر موقعیت اجتماعی ۳/۲ درصد آنها بالا و ۹/۴ درصد پایین و بقیه در لایه‌های میانی قرار داشتند. گذشته از متغیرهای زمینه‌ای و پیشینه‌ای نتایج به دست آمده از متغیرهای اصلی تحقیق در یک مقیاس ده قسمتی به شرح زیر است:

جدول ۲ میزان شاخصهای مورد تحقیق در یک مقیاس ده قسمتی

جمع‌گرا	جمع‌گرا	فردگرا	فردگرا	دینداری	دینداری	دینداری	دینداری	باز
عمودی	افقی	عمودی	افقی	اعتقادی	تجربی	پیامدی	مناسکی	اندیشی
۸/۰	۸/۴	۷/۸	۸/۶	۸/۴۷	۸/۲	۴/۲	۵/۸	۷/۰

همان گونه که مشاهده می‌شود گرایش به فردگرایی و جمع‌گرایی افقی در بین پاسخگویان بیش از دو گونه دیگر می‌باشد. همچنین در حالی که ابعاد اعتقادی و تجربی دینداری به علت ماهیت فردگرایانه خود از قوت بیشتری در بین جوانان دانشگاهی برخوردار هستند جنبه مناسکی و پیامدی آن چندان مورد توجه آنها نیست. در این میان بازاندیشی دینی شامل موقعیتی بینابین است. به عبارت دیگر نه دارای توان اعتقادی و نه بی‌اعتنایی بعد پیامدی است.

انتساب پاسخگویان به ارزشهای فردگرایانه و جمع‌گرایانه از دو طریق، روش کمی و روش سازه‌ای به دست آمد. نتایج دو روش تأیید کننده یکدیگر بودند. براساس یافته‌های کمی در روش پیمایش در حالی که ۸۰ درصد از افراد پاسخگو جمع‌گرا هستند، هم‌چنین در عین حال ۹۰ درصد از آنها نیز به گزینه‌های فردگرایانه پاسخ داده‌اند.

در روش سازه‌ای نیز ۱۶ درصد از پاسخگویان فردگرای عمودی و ۳۵/۷۶ درصد فردگرای افقی و ۱۲/۳۳ درصد جمع‌گرای عمودی و ۳۵/۹ درصد جمع‌گرای افقی بودند. شایان ذکر است که درصدها نشان از نزدیکی مقولات افقی جمع‌گرایی و فردگرایی در بین جمعیت تحقیق دارد که خود گویای پذیرش موارد قابل تعامل‌تر و نرم‌تر این گونه گرایشها در بین این گروه است. جدول زیر نتایج حاصل از روش سازه‌ای را در این زمینه نشان می‌دهد.

جدول ۳ بررسی میزان فرد گرایی - جمع گرایی (روش سازه‌ای)

جمع	بی‌پاسخ	جمع‌گرایی عمودی		فردگرایی افقی		جمع‌گرایی افقی		فردگرایی عمودی		سوالات موقعیتی
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۷۷	۱	۲۲/۷	۶۳	۲۰/۶	۵۷	۴۲/۶	۱۱۸	۱۴/۱	۳۹	اول
۲۷۷	۱	۶/۹	۱۹	۳۵/۴	۹۸	۴۰/۱	۱۱۱	۱۷/۷	۴۹	دوم
۲۷۶	۲	۳۹/۹	۱۱۰	۱۴/۵	۴۰	۳۴/۸	۹۶	۱۰/۹	۳۰	سوم
۲۷۶	۲	۶/۹	۱۹	۵۵/۸	۱۵۴	۲۹/۳	۸۱	۸	۲۲	چهارم
۲۷۶	۲	۲/۵	۷	۷۹/۷	۲۲۰	۶/۹	۱۹	۱۰/۹	۳۰	پنجم
۲۷۳	۵	۴	۱۱	۳۳	۹۰	۳۶/۶	۱۰۰	۲۶/۴	۷۲	ششم
۲۷۴	۴	۵/۵	۱۵	۱۹/۷	۵۴	۷۶/۹	۱۸۶	۶/۹	۱۹	هفتم
۲۷۴	۴	۲۵/۲	۶۹	۷/۳	۲۰	۲۰/۴	۵۶	۴۷/۱	۱۲۹	هشتم
۲۷۳	۵	۲۰/۱	۵۵	۳۷/۴	۱۰۲	۲۶	۷۱	۱۶/۵	۴۵	نهم
۲۷۴	۴	.۴	۱	۲۶/۴	۷۳	۵۷/۳	۱۵۷	۱۵/۷	۴۳	دهم
۲۷۵	۳	۱/۵	۴	۶۳/۳	۱۷۴	۳۳/۱	۹۱	۲/۲	۶	یازدهم
۳۰۲۵	۴۳	۱۲/۳۳	۳۷۳	۳۵/۷۶	۱۰۸۲	۳۵/۹	۱۰۸۶	۱۶	۴۸۴	جمع

جدول فوق امکان انتخاب پاسخگو را از ۴ حالت مختلف فردگرایی و جمع‌گرایی افقی و عمودی، در ۱۱ موقعیت نشان می‌دهد. تصمیم پاسخگو در انتخاب هریک از حالات جمع‌گرایی و فردگرایی یازده‌گانه، وضعیت ارزشی وی را قابل تشخیص می‌سازد.

براساس یافته‌های فوق، در مجموع ۱۱ موقعیت، ۱۶ درصد (۴۸۴ نفر) داشته‌اند که مایل هستند در موقعیتهای مختلف به طریق فردگرایی عمودی رفتار کنند. به عبارت دیگر ۱۶ درصد افراد جامعه در موقعیتهای مختلف خود محور، جاه‌طلب و همراه با رقابت عمل می‌کنند.

۳۵/۷۶ درصد افراد در حالت‌های مختلف به طریق فردگرایی افقی تصمیم می‌گیرند؛ یعنی در شرایط مختلف مایل هستند که به خود اتکا داشته باشند، اهداف را خود تعیین نمایند، خودشان فکر کنند. به بیانی دیگر در حالت‌های مختلف، منحصر به فرد بودن و جدایی از گروه و جمع را ترجیح می‌دهند. در شرایط گوناگون ۱۲/۳ درصد افراد جمع‌گرایی عمودی را مبنای تصمیم خود قرار داده‌اند؛ یعنی ۱۲/۳ درصد افراد تمایل دارند که در فعالیتهای خود با گروه و جمع یکپارچه عمل نمایند و تصمیم‌هایی مطابق با تصمیم جمع اتخاذ نمایند؛ یعنی مطیع تصمیمات گروه و رهبر گروه باشند. ۳۵/۹ درصد افراد تصمیمات مبتنی بر جمع‌گرایی افقی می‌گیرند؛ یعنی ۳۵ درصد حس تعلق به جمع دارند و در تصمیم‌گیریها رابطه عاطفی با جمع را لحاظ می‌کنند، اما لزوماً مطیع نیستند. این افراد بیشتر اهل مشارکت و همکاری بوده و منطبق با گروه نه الزاماً در اطاعت با رهبر گروه تصمیم می‌گیرند. در مجموع ۵۱/۷ درصد افراد گروه به طریق فردگرایانه تصمیم می‌گیرند این افراد در تصمیم‌گیریهای خود، اولویت را به خواسته‌های خود می‌دهند و قایل به حق انتخاب و خودمحموری هستند. ۴۸/۲ درصد افراد تصمیم‌های مبتنی بر جمع می‌گیرند. در میان این افراد اهداف و خواسته‌های گروه و تصمیمات رهبر گروه اولویت اساسی داشته، هنجارهای گروه رفتار فرد را تعیین می‌کند و ایثار و مشارکت مبنای رفتار این افراد است. از این جهت که تقریباً نیمی از افراد جمع‌گرا (۴۸/۲ درصد) و نیمی از افراد (۵۱/۷) درصد فردگرا هستند. نه می‌توان این گروه را جمع‌گرا و نه فردگرا دانست بلکه باید آن را چند ارزشی نامید. این حالت گویای حالتی است که در آن ارزشهای متفاوت در زمانی واحد و در مکانی معین با یکدیگر هم‌زیستی دارند. یا به عبارت دیگر بیانگر موقعیتی بینابینی از سنت و مدرنیته و «نه هنوز» و «دیگر هرگز»، بین مدرنیته‌ای که در حال استقرار است، ولی کاملاً جذب و پذیرفته نشده و سنتی که مورد پذیرش است ولی دیگر هرگز در شکل نخستین خود تجدید نخواهد شد، به سر می‌برند از سویی دیگر، یافته‌های روش حاضر، نتایج روش قبلی را نیز تأیید می‌کند چرا که در آن روش نیز میانگین فردگرایی اندکی از میانگین جمع‌گرایی بالاتر تشخیص داده شد. وضعیت مشاهده شده مصداق این نظر است، در حالی که فردگرایی در حال استقرار است، ولی جمع‌گرایی نیز همچنان ادامه داشته و این دو جهت‌گیری با یکدیگر در تعامل تا تقابل به سر می‌برند.



## رابطه بین انواع فردگرایی و دینداری

## جدول ۴ رابطه بین فردگرایی افقی و ابعاد مختلف دینداری

فردگرایی افقی	بعد اعتقادی	بعد تجربی	بعد پیامدی	بعد مناسکی	گرایش به بازاندیشی در دین
همبستگی پیرسون	۰/۰۷۷	۰/۰۲۲	-۰/۰۷۸	-۰/۱۴۲	۰/۱۲۲
Sig (2-tailed)	۰/۲۱۴	۰/۷۲۳	۰/۲۱۰	۰/۰۲۲	۰/۰۴۹
حجم نمونه	۲۶۰	۲۶۴	۲۶۲	۲۶۱	۲۶۳

جدول فوق ارتباط میان فردگرایی افقی و ابعاد مختلف دینداری را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین فردگرایی افقی و ابعاد مناسکی و بازاندیشی دینی رابطه‌ای معنادار وجود دارد که این رابطه برای بعد مناسکی منفی است؛ یعنی با رشد فردگرایی افقی از میزان دینداری در بعد مناسکی آن کاسته می‌شود. از آنجا که فردگرایی با ویژگی‌هایی همچون عدم پیروی از هنجار و عدم پذیرش اقتدار شناخته می‌شود و مناسک نیز جزو بایدهای دین محسوب می‌شود، لذا این دو مؤلفه با یکدیگر نسبت عکس پیدا می‌کنند. در همین حال فردگرایی افقی به افزایش بازاندیشی دینی منجر می‌شود؛ یعنی با خودباوری و خوداتکایی، قدرت انتخاب افراد افزایش می‌یابد و دینداری آنها نیز از شکل یقینی خارج شده و توانایی بازاندیشی می‌یابد.

## جدول ۵ میزان همبستگی فردگرایی عمودی و ابعاد مختلف دینداری

فردگرایی عمودی	بعد اعتقادی	بعد تجربی	بعد پیامدی	بعد مناسکی	گرایش به بازاندیشی در دین
همبستگی پیرسون	۰/۰۹۲	۰/۲۰۹	۰/۱۰۰	-۰/۰۱۳	-۰/۰۲۷
Sig (2-tailed)	۰/۱۳۳	۰/۰۰۱	۰/۱۰۲	۰/۸۳۵	۰/۶۴۵
حجم نمونه	۲۶۷	۲۷۱	۲۶۹	۲۶۸	۲۷۰

ارتباط بین فردگرایی عمودی و ابعاد مختلف دینداری در جدول فوق بررسی شده است. براساس اطلاعات جدول فوق، بین فردگرایی عمودی و بعد تجربی دینداری رابطه‌ای متوسط (۰/۲۰۹) و سطحی معنادار نیز (۰/۰۰۱) وجود دارد. از این رو می‌توان پذیرفت بین فردگرایی عمودی و بعد تجربی دینداری رابطه مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر خودمحوری و جاه‌طلبی افراد ادراکات و احساسات تجربه شده دینی و شخصی و خصوصی آنها را به صورتی معنادار افزایش می‌دهد.

جدول ۶ میزان همبستگی فردگرایی و ابعاد مختلف دینداری

فردگرایی	بعد اعتقادی	بعد تجربی	بعد پیامدی	بعد مناسکی	گرایش به بازانديشي در دين
همبستگی	-.۰/۰۰۹	۰/۱۲۳	-.۰/۰۰۲	-.۰/۱۰۸	۰/۰۷۲
پیرسون Sig (2-tailed)	۰/۸۸۰	۰/۰۴۵	۰/۹۷۰	۰/۰۸۱	۰/۲۴۵
حجم نمونه	۲۶۰	۲۶۴	۲۶۲	۲۶۱	۲۶۳

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تنها رابطه معنی‌دار موجود در جدول بالا، ارتباط بین فردگرایی و بعد تجربی دین است که برخلاف بقیه روابط (به جز بازانديشي) رابطه‌ای مثبت است؛ یعنی با افزایش فردگرایی، بعد اعتقادی، مناسکی، پیامدی دین کاهش می‌یابد، اما بعد تجربی دین افزایش پیدا می‌کند. وجود این رابطه از آن‌روست که فردگرایی به عنوان ویژگی خودباوری و خوداتکایی، نگرشها و ادراکات فردی را مورد تأکید قرار می‌دهد و بعد تجربی دینداری نیز با احساسات، ادراکات و تأثراتی همراه است که شخصاً در رابطه با خدا تجربه می‌شود؛ لذا هرچه فردیت انحصاری و متمایز از گروه افراد افزایش یابد تنها آن بعد از ابعاد دین امکان رشد می‌یابد که با احساسات و تجربه شخصی فرد در ارتباط است و این بعد همان بعد تجربی دین است.

جدول ۷ میزان همبستگی جمع‌گرایی افقی و ابعاد مختلف دینداری

جمع‌گرایی افقی	بعد اعتقادی	بعد تجربی	بعد پیامدی	بعد مناسکی	گرایش به بازانديشي در دين
همبستگی	۰/۲۳۰	۰/۳۶۹	۰/۲۲۴	۰/۲۴۲	-.۰/۱۱۸
پیرسون Sig (2-tailed)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۵۴
حجم نمونه	۲۶۶	۲۷۰	۲۶۸	۲۶۷	۲۶۹

بین جمع‌گرایی افقی و تمامی ابعاد دینداری رابطه‌ای مثبت و حدوداً متوسط وجود دارد؛ اما رابطه جمع‌گرایی افقی و بازانديشي دینی منفی و ضعیف است. به عبارت دیگر با افزایش جمع‌گرایی افقی بازانديشي در دین کم می‌شود. قابل توجه است که بعد تجربی دین در جمع‌گرایی افقی نیز افزایشی بیش از سایر ابعاد دارد.

## جدول ۸ میزان همبستگی جمع‌گرایی عمودی و ابعاد مختلف دینداری

جمع‌گرایی عمودی	بعد اعتقادی	بعد تجربی	بعد پیامدی	بعد مناسکی	گرایش به بازاندیشی در دین
همبستگی	۰/۲۷۲	۰/۳۶۸	۰/۳۲۷	۰/۲۴۵	-۰/۱۶۶
پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷
Sig (2-tailed)					
حجم نمونه	۲۶۴	۲۶۸	۲۶۶	۲۶۵	۲۶۷

در جدول فوق رابطه بین جمع‌گرایی عمودی و ابعاد مختلف دینداری بررسی می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بین بعد اعتقادی و بعد مناسکی و جمع‌گرایی عمودی همبستگی مثبت وجود دارد و لذا این روابط تأیید می‌شود. بین بعد پیامدی، بعد تجربی و جمع‌گرایی عمودی رابطه مثبت قوی‌تری برقرار است، اما بین بعد بازاندیشی و جمع‌گرایی عمودی رابطه‌ای منفی و ضعیف مشاهده می‌شود. بدین معنی که با افزایش جمع‌گرایی عمودی، بازاندیشی دینی کاهش می‌یابد و این رابطه نسبت به رابطه متناظر در جدول قبل (جمع‌گرایی افقی) از شدت و معناداری به مراتب بیشتری برخوردار است.

## جدول ۹ میزان همبستگی جمع‌گرایی و ابعاد مختلف دینداری

جمع‌گرایی	بعد اعتقادی	بعد تجربی	بعد پیامدی	بعد مناسکی	گرایش به بازاندیشی در دین
همبستگی	۰/۲۹۲	۰/۴۲۶	۰/۳۲۳	۰/۲۸۳	-۰/۱۶۵
پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷
Sig (2-tailed)					
حجم نمونه	۲۶۳	۲۶۷	۲۶۵	۲۶۴	۲۶۶

شاخص جمع‌گرایی با تمامی ابعاد دینداری رابطه‌ای مثبت و متوسط و بالاتر دارد ولی با بازاندیشی در دین رابطه آن منفی می‌شود.

تمام یافته‌های بالا نشان می‌دهد هرچه حس تعلق به جمع بیشتر می‌شود، ابعاد مختلف دینداری نیز افزایش می‌یابد، زیرا دین در جامعه منبعی هنجاربخش محسوب می‌شود و هرچه افراد تمایل بیشتری به تبعیت از هنجارها داشته باشند و حس تعلق به جمع، مشارکت‌پذیری، اولویت اهداف و یکپارچگی با گروه در آنها بیشتر باشد، پیروی از هنجارهای دینی نیز در آنها افزایش می‌یابد. فرد

جمع‌گرا در مطابقت با گروه اعتقادات و مناسک دینی را پذیرفته و قوانین پیامدی آن را لازم‌الاجرا می‌بیند و مناسک و اعتقادات آن را می‌پذیرد. حتی اگر این قوانین با منافع خاص او در تضاد باشد، فرد جمع‌گرا در خصوص اعتقادات و مناسک و دین بازنندیشی نمی‌کند. تأکید بر فرمانبرداری یکی از ویژگیهای جمع‌گرایی است که بازنندیشی در دین را بر نمی‌تابد.

جدول ۱۰ مقایسه میانگین (آنالیز واریانس) دینداری و ابعاد مختلف آن در سطوح مختلف فردگرایی و جمع‌گرایی افقی - عمودی

دینداری و سطوح آن		دینداری		بعد مناسکی دینداری		بعد اعتقادی دینداری		بعد تجربی دینداری		بعد پیامدی دینداری	
جهت‌گیری ارزشی		Sig	میانگین	Sig	میانگین	Sig	میانگین	Sig	میانگین	sig	میانگین
جمع‌گرایی افقی			۸۸/۴		۲۸/۷		۰/۰۲۹		-		-
جمع‌گرایی عمودی			۱۰۰/۶		۳۲/۶		۰/۰۲۹		-		-
فردگرایی افقی			۸۶/۷		۲۸/۶		۰/۰۲۱		۰/۰۲۴	۱۷	۲۰/۱
جمع‌گرایی عمودی			۱۰۰/۶		۳۲/۶		۰/۰۲۱		۰/۰۲۳	۲۰/۱	۲۶/۳

فقط تفاوت‌های معنادار گزارش شده است.

جدول بالا تفاوت میزانهای میانگین دینداری و ابعاد مختلف آن در سطوح مختلف فردگرایی افقی - عمودی و جمع‌گرایی افقی - عمودی را که به روش سازه‌ای ساخته شده است، نشان می‌دهد. از طریق این آماره می‌توان نتایج حاصل از دو روش استفاده شده در این تحقیق را با یکدیگر مقایسه نمود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین میزان دینداری کسانی که جمع‌گرایی افقی و جمع‌گرایی عمودی دارند تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. بدین معنا، کسانی که جمع‌گرایی عمودی دارند میزان دینداریشان از کسانی که جمع‌گرایی افقی دارند بیشتر است. همچنین میزان دینداری افراد با جهت‌گیری جمع‌گرایی عمودی از فردگرایان افقی بیشتر است. براساس مقایسات آماره شفه تفاوت

معناداری بین فردگرایی عمودی و جهت‌گیریهای دیگر ارزشی به لحاظ دینداری وجود ندارد و مقدار آن بین مقادیر جمع‌گرایی عمودی و سایر مقادیر قرار می‌گیرد.

فردگرایی افقی حالتی است که فرد به توانایی خود اعتقاد داشته و متکی به خود است اما در جمع‌گرایی عمودی اهداف فردی در قبال اهداف گروه معنا پیدا کرده و یکپارچگی با گروه بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد. یافته‌های این تحقیق نیز گویای این مطلب است، کسانی که دارای جهت‌گیری ارزشی جمع‌گرایانه عمودی هستند به دلیل هم‌نوایی و پذیرش ارزشها و هنجارهای گروهی و از جمله ارزشها و هنجارهای دینی به عنوان منبعی جمعی میزان دینداریشان بیش از کسانی است که فردگرای افقی هستند. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد میانگین بعد مناسکی دینداری در میان کسانی که جمع‌گرایی عمودی دارند بیشتر از کسانی است که جمع‌گرایی افقی دارند.

این قضیه در بعد اعتقادی نیز قابل ملاحظه است. بعد اعتقادی دینداری در میان کسانی که جمع‌گرایی عمودی دارند بیشتر از کسانی است که جمع‌گرایی افقی دارند و میانگین این بعد در میان این گروه بیشتر از سایرین است.

میانگین بعد پیامدی دینداری کسانی که جمع‌گرایی عمودی دارند همچنین بیش از گروهیست که فردگرایی افقی دارند. یکپارچگی با گروه، تأکید ارزشهای گروهی و به دنبال آن اجرای قوانین نشئت گرفته از آن ارزشها را همراه می‌آورد که در این صورت افزایش بعد پیامدی نیز قابل انتظار می‌شود. در مقابل مشاهده می‌شود که دینداری تجربی در میان کسانی که فردگرایی افقی دارند بیش از کسانی است که جمع‌گرایی عمودی دارند (۳۲/۲ و ۲۶/۳). در قسمت قبل نیز، فردگرایی با بعد تجربی دینداری همبستگی مثبت و معنی‌داری را نشان می‌داد. در حالی که ارتباط میان فردگرایی و سه بعد دیگر دینداری (اعتقادی، مناسکی، پیامدی) ارتباطی معکوس بود، اما با افزایش فردگرایی بعد تجربی دینداری افزایش می‌یافت. این رابطه از آن جهت که ویژگیهای فردگرایی و دینداری تجربی متناظر و نزدیک به یکدیگر می‌باشند قابل توجیه هستند. در ادبیات فردگرایی بر خصوصیات خوداتکایی و خود تجربی افراد تکیه می‌شود و لذا این فردیت یکتا و متمایز از گروه تنها با آن بعد از دین منطبق است که مربوط به احساسات و تجربه شخصی فرد می‌شود.

## نتیجه‌گیری

فردگرایی به عنوان مفهومی مدرن از شاخصه‌های اصلی مدرنیته محسوب می‌شود و در مقابل جمع‌گرایی جامعه سنتی قرار می‌گیرد.

در جامعه جمع‌گرا بر یکپارچگی و اطاعت از گروه تأکید شده و رفتار هر کس انعکاسی از هنجارهای مطلوب جامعه دانسته می‌شود. فرد جمع‌گرا، با گروه اهداف مشترک داشته، لذا مشابه دیگر افراد رفتار کرده و دستورات اجتماعی را به عنوان هنجاری پذیرفته و غیرقابل تردید تلقی می‌کند و دینداری سنتی را بدون چون و چرا می‌پذیرد.

در جامعه فردگرا، فرد مدرن توانایی‌های خاصی پیدا می‌کند؛ از جمله اینکه اجازه می‌یابد عقلانی‌تر عمل کرده و بسیاری از سنت‌های بسته‌بندی و یقینی قبلی را مورد تردید قرار دهد. توانایی دیگر، بازاندیشی در خصوص خویش و عرصه‌های مختلف زندگی خود، گزینش از بین تعدادی از بدیله‌ها و انتخاب جایگزین‌های مختلف و دسترسی به منابع متنوع و پراکنده است. بدین ترتیب همراه با فردگرایی و عقلانیت ملازم با آن، بسیاری از ارزش‌های جامعه و از جمله ارزش‌های دینی از شکل یقینی خود خارج شده و مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی و در صورت غلبه فردگرایی بر جمع‌گرایی می‌توان تغییراتی را در حوزه دینداری افراد جامعه و خصوصاً جوانان که مواجهه و درگیری بیشتری با عناصر مدرن دارند انتظار داشت.

این مقاله به منظور بررسی این رابطه، ابتدا گرایشها جمع‌گرایانه و یا فردگرایانه جوانان دانشجویی تهرانی را سنجیده و سپس رابطه میزانهای مختلف آن را با ابعاد گوناگون دینداری و مقوله بازاندیشی دینی، مورد بازبینی قرار می‌دهد. با این هدف و با استفاده از سنجه فردگرایی و جمع‌گرایی افقی و عمودی تریان‌دیس و ابعاد دینداری استارک و گلارک و پرسشنامه بازاندیشی دینی که با گزینش از سؤالات تحقیقات قبلی در این حوزه به دست آمده است و از طریق دو روش پیمایشی و سازه‌ای بدین مهم پرداخته شده است.

با استفاده از هر دو روش، در جمعیت تحقیق حاضر یافته‌ها نشان از میزان بالای فردگرایی و جمع‌گرایی توأم دارند. در یک مقیاس ده قسمتی جمع‌گرایی عمودی و افقی و فردگرایی افقی دارای میزانی بیش از هشت واحد و فردگرایی عمودی نزدیک به هشت دارند. در همین مقیاس بعد اعتقادی و تجربی دینداری (۸/۷ و ۸/۲) و سپس مناسکی و پیامدی آن (۵/۸ و ۴/۲) به ترتیب قرار می‌گیرند. در این میان نمره مقوله بازاندیشی دینی (۷) قابل توجه است. روش سازه‌ای نیز نشان می‌دهد، در حالی که ۵۱/۷ درصد از جمعیت تحقیق به طریق فردگرایانه تصمیم می‌گیرند ۴۸/۲ درصد نیز هنوز به ارزش‌های جمع‌گرایانه پاسخ مثبت می‌دهند.

این حالت گویای وضعیتی است که در آن ارزشهای متفاوت در زمانی واحد و در مکانی معین با یکدیگر همزیستی دارند یا به عبارت دیگر بیانگر موقعیتی بینابینی از سنت و مدرنیته هستند. بین مدرنیته‌ای که در حال استقرار است ولی کاملاً جذب و پذیرفته نشده و سنتی که مورد پذیرش است ولی دیگر هرگز در شکل نخستین خود تجدید نخواهد شد. این حالت معادل مفهوم جامعه چند فرهنگی است که از طرف متفکرینی مانند گیدنز (۱۳۸۱: ۵۵) و شایگان (۱۳۸۴: ۱۴) برای توضیح جوامع جدید به کار برده می‌شود. شایگان از این مفهوم برای توضیح تمدنهای غیرغربی استفاده کرده و معتقد است که در وضعیت جدید الگوی شناخت مستقل و یا قالب شناختی مسلطی در این گونه جوامع وجود ندارد. با اینکه امواج پی در پی مدرنیته به محیط زیست اجتماعی این جوامع وارد شده‌اند اما شیوه‌های هستی غیرغربی نیز همچنان در آنها به زندگی خود ادامه می‌دهند. بر این اساس می‌توان فردگرایی را به عنوان الگوی شناختی مسلط و جمع‌گرایی را به عنوان الگوی شناختی مستقل در عرصه روابط اجتماعی و چندگانگی فرهنگی در نظر گرفت. بررسی تیپولوژیک پاسخگویان (روش سازه‌ای) نیز نشان می‌دهد که بیش از نیمی از افراد در موقعیتهای مختلف به روش فردگرایانه و نیم دیگر به روش جمع‌گرایانه تصمیم می‌گیرند که خود باز نشان از چندگونگی فرهنگی دارد.

در مرحله بعد و در بررسی روابط بین جهت‌گیریهای ارزشی و دینداری مشاهده شد که جهت‌گیری ارزشی جمع‌گرایانه با دینداری رابطه دارد. به این معنا کسانی که جمع‌گراتر هستند، حداقل در معنای سنتی آن افراد دیندارتری هستند. جمع‌گرایی هم در شکل شاخص کل و هم به تفکیک افقی و عمودی با ابعاد اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی دینداری رابطه‌ای مثبت و درخور توجه دارد. در واقع از آنجا که جهت‌گیری جمع‌گرایانه پذیرای هنجارهای گروه، فرمانبرداری و از خودگذشتگی برای گروه بوده و همواره بر پیروی از قوانین گروه تأکید می‌کند، با دینداری و ابعاد مختلف آن تناظر پیدا می‌کند. دین در جامعه‌ای همانند جامعه ما در نقش یک الگوی مسلط اعتقادی، نگرشی و هنجاری ظاهر شده که دارای اعتقادات، مناسک و قوانین اجتماعی خاص خود است. در این صورت افراد جمع‌گرا در ابعاد مختلف از آن تبعیت می‌کنند، حتی اگر با خواسته‌های آنان در تعارض باشد؛ اما از سویی دیگر هرچه روحیه جمع‌گرایی بیشتر می‌شود، گرایش به بازاندیشی در دین کاهش می‌یابد. در حالی که گرایش به بازاندیشی در دین ملازم با گزینش و انتخاب‌گری در ابعاد مناسکی، اعتقادی و تجربی دینداری است. جهت‌گیری جمع‌گرایانه نافرمانی از هنجارها و سر باز زدن از اقتدار گروهی را نمی‌پذیرد. از این رو افراد جمع‌گرا بازاندیشی دینی کمتری دارند.

در مقابل فردگرایی با ابعادی از دینداری همراهی کرده و بعضی از آنها را رد می‌کند. افزایش فردگرایی باعث کاهش بعد مناسکی و یا به عبارتی بعد بیرونی و جمعی دینداری می‌شود، اما با بعد

تجربی دینداری رابطه‌ای مثبت دارد. بعد تجربی دینداری تنها بعدی است که تجربه فردی و احساسات و ادراکات خاص در رابطه با خدا را گوشزد می‌کند و به لحاظی درونی‌ترین و فردی‌ترین بعد دینداری است. از این رو با جهت‌گیری فردگرایانه تناسب پیدا کرده و با آن رابطه‌ای مثبت را نشان می‌دهد.

همچنین فردگرایی افقی با بازاندیشی دینی نیز رابطه‌ای مثبت دارد. از آنجا که فردگرایی افقی ناظر به خودباوری، خوداتکایی و انتخاب است و گرایش به بازاندیشی در دین نیز شامل به کارگیری عقل نقاد در ابعاد مختلف دینداری است، لذا این دو متغیر با یکدیگر رابطه‌ای نظیر به نظیر پیدا می‌کنند.

یافته‌های این تحقیق نشان از هم‌کنشی فردگرایی و بازاندیشی در دین، بعد تجربی دینداری و به مقدار کمتری بعد پیامدی آن دارد. جمع‌گرایی با همه ابعاد دینداری و شاخص کل آن در ارتباط بوده اما بازاندیشی در دین را بر نمی‌تابد. میانگین دینداری در میان کسانی که دارای جهت‌گیری جمع‌گرایی عمودی هستند بیش از کسانی است که جمع‌گرایی افقی دارند زیرا که افراد با روحیه جمع‌گرایی عمودی، موافقت بیشتری با گروه و ارکان هستی بخش آن داشته و تبعیت بیشتری از گروه را خواستار است. این نتیجه کاملاً مطابق با یافته‌های ترباندیس است که جمع‌گرایی را در رابطه با دینداری تعریف می‌کند (۱۳۷۸: ۱۲۰). در جمع‌گرایی افقی گرچه حس تعلق و وفاداری به جمع قوی است، اما اطاعت از گروه کمتر بوده و به همین علت میزان دینداری در آنها کمتر از افراد پیشین است. در این میان در حالی که دینداری در فردگرایان افقی در ابعاد اعتقادی و پیامدی به طور معناداری کمتر از جمع‌گرایی عمودی است اما در بعد تجربی بیش از آن می‌باشد. به هر حال آنچه در این تحقیق مسلم است نزدیکی میان دینداری فردگرایان و جمع‌گرایان افقی است که در جمع‌گرایی ابعاد اعتقادی، مناسکی و پیامدی و در فردگرایی بعد تجربی آن را به وجود می‌آورد. این نتیجه از طریق هر دو روش به کار گرفته در این تحقیق به تأیید رسیده است.



## منابع

- برگر، پیترا (۱۳۷۳)، «برخلاف جریان»، ترجمه سیدحسین سراجزاده، *مجله کیان*، شماره ۴۴، ص ۳۰-۳۴.
- برگر، پیترا و توماس لوکمان (۱۳۷۵)، *ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- برگر، پیترا، بریجیت برگر و هانسفرید کلنر (۱۳۸۱)، *ذهن بی‌خانمان نوسازی و آگاهی*، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- تریاندیس، هری س. (۱۳۷۸)، *فرهنگ و رفتار اجتماعی*، ترجمه نصرت فتی، تهران: نشر سانش.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۳)، *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: کتابسرای بابل.
- سراجزاده، سیدحسین (۱۳۷۷)، «نگرشها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن»، *نامه پژوهش*، شماره ۸ و ۷، ص ۱۰۵-۱۲۰.
- سراجزاده، سیدحسین، مهناز توکلی (۱۳۸۰)، «بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی»، *نامه پژوهش*، شماره ۲۰ و ۲۱، ص ۱۵۹-۱۸۷.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۴)، *افسون‌زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار*، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: نشر فروزان.
- غلامزاده بهبهانی، شیرین (۱۳۸۵)، «دینداری موازی: مطالعه دلایل جامعه‌شناسانه پیدایش آن»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشگاه الزهراء (س).
- غیاثوند، احمد (۱۳۸۰)، «بررسی فرایند جامعه‌پذیری دینی جوانان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشگاه تهران
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات مرکز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، *تجدد تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول تهران: نشر نی.
- میرزائی، حسین (۱۳۸۴)، «بررسی جامعه‌شناختی فردگرایی در ایران با تأکید بر پیمایش ساکنین شهر تهران»، *پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی*، دانشگاه تهران.
- میرسندسی، محمد (۱۳۸۳)، «بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان دانشگاه تهران»، *پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی*، دانشگاه تربیت مدرس.
- نوروزی، فیض‌الله (۱۳۷۵)، «فردگرایی در بین جوانان در حال تحصیل شهر تهران»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی*، دانشگاه شهید بهشتی.
- نیک‌پی، امیر (۱۳۸۰) «نگاهی به برخی تحولات دینی در ایران معاصر»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی*، ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، شماره ۳، ص ۴۳ - ۶۱.
- وبر، ماکس (۱۳۸۳)، *دین قدرت جامعه*، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان.
- همیلتون، پیترا (۱۳۸۰)، *شناخت و ساختار اجتماعی: درآمدی به مباحث جامعه‌شناسی شناخت*، ترجمه حسن شمس‌آوری، تهران: نشر مرکز.

(۱۳۷۹)، دانشگاه، دین، سیاست، سنجش گرایشهای فکری و فرهنگی دانشجویان، طرح تحقیقاتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

Triandis, Harry C. (1994), *Individualism-Collectivism: Theoretical and Methodological Approach to study of individualism and Collectivism*, Sage, California.

———— (1995), *Individualism and collectivism*, Boulderco: Westivew Press.

———— (1996), "the Psychological Measurement of Cultural Syndromes", *American Psychologist*, 51, No 4, 407-415.

Triandis, Harry C. and Hichele J. Gelfand (1998), "Converging Measurement of Horizontal and Vertical Individualism and Collectivism", *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, No 1, 118-128.

Triandis, Harry C; Bantempo, Robert and Villareal Marcelo J. (1988), "Individualism and Collectivism: Cross- Cultural Perspective on Self-In-Group Relation", *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, No 2. 323-338.

Hofsted, Greet (1994), *Individualism-Collectivism*, Sage, Clifornia.

Van Praag, Bernhard M. S. and Paul Frijters. 1999. "The Measurement of Welfare and Well-Being: The Leyden Approach" in Well-Being: The Foundations of Hedonic Psychology

Daniel Kahneman, Ed Diener and Norbert Schwarz, eds. New York: Russell Sage Foundation, pp. 302-29

# SID



ابزارهای  
پژوهش



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری  
STES



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



کارگاه آموزشی  
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی  
در تدوین و چاپ مقالات ISI



کارگاه آموزشی  
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



کارگاه آموزشی  
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word  
برای پژوهشگران